

# حجابی برای بی حجابی

نویسنده: دانا مہرنوس

ویرایش و نشر: رد شبہات ملحدین



no-atheism.net  
no-atheism  
islamway1434  
asteira

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# حجابی برای بی حجابی

نویسنده: «دانا مهرنوس» ۹۹/۱۱/۱۷

بازخوانی، ویرایش و نشر: «روش‌های ملحدین» فروردین ۱۴۰۰

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه:

سپاس و ستایش بیکران خداوند یکتارا که حجاب را مایه آرامش بندگانش قرار داد. با گذر زمان، اختلاط فرهنگها، نظریه‌های جهانی شدن و ... ملت مسلمان گُرد نیز ناخودآگاه به این افکار جدید دست یاخت تا آینده‌ای دیگر را برای فرزندانِش رقم زند. به دلایلی چند نوع پوشش که شناسنامه هر ملت است به مرور از میان رفت تا در شهری چون کرمانشاه گُردان ندانند گُرد و غیرگُرد کیست و چون با شناسنامه از میان رفته هویت یکدیگر را نمی‌دانند مبنای سخن را زبان رسمی مملکت می‌دانند تا زبان گُردی نیز همچون لباس گُردی از میان رود. چه بسیار خانواده‌هایی که اکنون در خانه نیز با فرزندان‌شان فارسی صحبت می‌کنند تا هر چه زودتر این شناسنامه ملت گُرد از میان رود و از خودباختگی و چشم هم چشمی جایگزین فرهنگها شود.

متن زیر در پیرامون بی حجابی گوشه‌ای از ایران یعنی مناطق گُردنشین می‌باشد که در تقلید از بی حجابی با سایر مناطق ایران همسو گشته هر روز در پیروی از زنان غربی گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند. در این دیار کسانی ناآگاهانه یا عامدانه قصد تخریب حجاب را دارند، آنانی که ناآگاهانه در دام بی فرهنگی افتاده‌اند به عواقب و آینده نمی‌اندیشند و در هر دامی که بدخواهان برایشان گسترده‌اند گرفتار می‌شوند و سرانجام خود را در تباهی و انحطاط می‌یابند و کسانی هم که عامدانه مبلغ فرهنگ غارنشینی و برگ پوشی هستند اهدافی دارند که در نهایت به سقوط جامعه و اخلاق منجر می‌شود. فرهنگ عریانی ددان و چهارپایان و ندانستن تفاوت انسانی و حیوانی و نیز در دست گرفتن رسانه توسط مادیگرایان راه را برای از میان بردن حجاب ملتها باز کرد. اما باید پرسید چرا اینگونه به آسانی حجب و حیا از میان رفت و فرهنگ برگ پوشی جایگزین گردید؟

## بی‌حجابی برای آزادی

زنانی هستند که بی‌حجابی را به معنای آزادی می‌دانند و پوشش و حجاب را تنها قید و بندی بی‌ارج می‌دانند و چون راه بی‌حجابی در ایران بر آنان بسته شده است با **حجابی جدید** بی‌حجابی خود را نمایان می‌کنند (**کاسیات عاریات**). سالها پیش حجاب ما در اوج متانت و وقار بود تا اینکه فرمان متحدالشکل کردن لباسها توسط **رضاشاه** صادر شد و لباس زیبای ایرانی که تماما حجب و حیا بود از میان رفته لباس تنگ و بدن‌نمای فرنگ جایگزین آن گردید. لباس مردان ایرانی به گونه‌ای بود که دامن‌وار نهانگاه آنان را می‌پوشانید اما به‌ناگاه لباس فرنگیان بی‌حجب و حیا را بر تن کردند تا مقدمه و بهانه‌ای باشد برای بی‌حجابی زنان، لباس زنان نیز زمانی دستخوش تغییر گشت که رضاشاه فرمان **کشف حجاب** را صادر کرد و چادر از سر زنان رخت بربست.

به مرور زمان زنان لباسهای ایرانی تمام پوشیده را بی‌کلاس دانسته، و مانتو را جایگزین آن کردند. در ابتدای امر کسی در خاطرش خطور نمی‌کرد که اینچنین گردد اما کم‌کم مانتوها تنگ و بدن‌نما شدند و مردان نیز نشستند و نظاره‌گر شدند. کسانی که حمیت وجودشان را گرفته بود بر این امر خطیر تاختند و خانواده و هر آن کس را توانستند از این کار منع کردند اما کسانی نیز به هر دلیلی که خود بهتر می‌دانند با بهانه دمکراسی و آزادی منعی برای بی‌حجابی ندیدند و حتی بر آن نیز شادمان گشتند. به مرور لباس زیبای کُردی زنان از میان رفت و کاربردش تنها در مراسم شادی بود. آن زمان نیز گذشت تا بدوره کنونی رسید.

## مانتوی روباز و ساپورتِ بدن‌نما

تئوریسین‌های حجابی برای بی‌حجابی اینبار با پوششی نوامیس مردمی را هدف گرفتند که بدون آنکه کسی خود را عریان کند نهانگاه آنان نمایان شود. زنان و دخترانی به دنبال چشم‌هم‌چشمی برای خرید مانتوهای اینچنین، کاسبی کسانی را رونق دادند که این انحطاط برایشان مهم نبود.

آنانی که بر خانواده خود هراسان گشتند و بر این امر مانع شدند توانستند تا حدی چهره شهرها را از بدحجابی بزدايند و کسانی هم که بدون توجه به عواقب شوم این تغییر به راحتی از کنار آن گذشتند کم کم تاثیر خود را گذاشته خانواده‌های دیگری را نیز از این بی‌شرمی سهم دادند. دخترانی را بنگرید، کسانی که تازه مانتوهای روباز را می‌پوشند هنوز کمی حجب و حیا در آنها باقیست چرا که با روسری درازی شرمگاه خویش را که ساپورتشان هویدا کرده است می‌پوشانند اما این نیز تنها دو روز است زیرا آنان نیز پا در جای پای همان کسانی می‌گذارند که دیگر نهانگاه برایشان معنای شرمگاه ندارد.

اینگونه پیش برود مانتوهای روباز انگار عادی می‌گردند و این بار نیز مردان درد این دشنه دردناک در خانواده خود را با نگاه شهوت‌آلود به اندام پوشیده اما عریان زنان بیگانه در بازار تشفی می‌دهند و با این بهانه که همه اینگونه گشته‌اند خیال خود را تا حدی آسوده می‌کنند. انگار تبلیغات فمینیستها کار خود را کرده است و شهرها را به وادی سقوط کشانده‌اند. افکار نادرست آنان خواسته یا ناخواسته در روح و روان دختران و زنان تنیده شده و کسی نیست که گره‌گشای این معضل گردد.

پروفایلی که هر کس می‌تواند بدان بنگرد نیز با عکسهای بی‌حجاب انباشته گشته و فراتر از آن در فیسبوک و ... نیز دیگر حجب و حیا از پدر و برادر نیز باقی نمانده و کسانی با گذاشتن عکسهای نیمه عریان خویش با «به به» و «چه چه» غریبه‌ها روحیه‌ای کاذب گرفته شادمان می‌شوند.

بی‌حجابی را حتی در معماری خانه نیز دخیل کرده‌اند چندسال پیش آشپزخانه هر خانه‌ای که زنان و دختران بدور از چشم مهمانان، با آرامش به کار خود مشغول بودند کم کم از میانش بردند و با ساخت نمونه‌آپن و رایج کردن آن، خانه را نیز بی‌حجاب کردند متأسفانه از چهار سال گذشته نمونه‌آپن را نیز از میان بردند تا هیچ دیواری میان دختران و زنان با مهمانان نباشد و همانطور که قبلاً نصف حجاب خانه را با دست خویش ویران کردند امروز آن نصف دیگر نیز با چشم هم‌چشمی دارد

ویران می‌شود و ما نیز تنها نظاره‌گریم. تمامی این عقاید از اتاق فکر داعیان به فحشا برمی‌خیزد و ما نیز به آسانی در هر دام آنان گرفتار می‌شویم.

## دلایل بی‌حجابی

### ۱- فمینیسم

یکی از دلایل بی‌حجابی رواج افکار فمینیستی می‌باشد که هر روز در سایتها شاهد نوشته‌های طرفداران آنان می‌باشیم که با مظلوم‌نمایی در صدد ترویج شعارهای خود هستند و کسانی نیز بدون توجه به هدف و اصل مطلب آنان به ستایش و مدحشان می‌پردازند. یکی از عقاید آنان همان آزادی از قید حجاب می‌باشد بدون آنکه بدانند که بی‌حجابی مایه آزادی نیست بلکه تنها بردن انسانها به فرهنگ غارنشینی و برگ پوشیست، اینان انگار شیفته بربریت هستند و بر فرهنگ برگ پوشی و عریانی شادمانند. اینان قائل بدانند که زنان اگر بی‌حجاب باشند این مردان هستند که نباید بنگرند اما این سخنی بس بی‌مایه و نابخردانه است و آن را می‌توان به دو قطب آهن ربا قیاس گرفت. کشش میان قطب منفی و مثبت آهن ربا را کسی انکار نمی‌کند و منکر آن را به بی‌خردی میتوان شناخت. زنان و مردان نیز به واسطه نوع خلقتشان به یکدیگر کشش دارند و منکر آن نیز قطعاً بر کذب محض است و اگر اینچنین بود نسل آدمیان بر می‌افتاد.

اینان برای اثبات سخن خویش به زندگی غربیان اشاره می‌کنند که در آنجا همه چیز عادی گشته و کسی به نوامیس مردم نظاره نمی‌کند اما باید بدانند که خود غربیان نیز بدان معترف نیستند و تصادفات زنجیره‌ای به خاطر عکس‌نیمه‌عریان یک زن در مسکو نمودی آشکار از آنست و از این نوع رفتارها را در جام جهانی نیز مشاهده نمودیم جایی که فمینیستها خود را عریان نمودند و اطرافیان به اعتراف خودشان نتوانستند از این مناظر بگذرند و دیگر رسواییهای جنسی مقامات غربی و سپس استعفا و کناره‌گیری‌شان از سمت خویش نمودی دیگر از عادی نشدن آن در میان جوامع می‌باشد. حقیقتی که باید بدان معترف بود این است که گزینه جنسی در انسان همانند حیوانات نیست که فصلی و به یک زمان خاصی برای زادآوری محدود باشد، آنچه از تبه‌کاری و ظلم به زنان و جنایات

دیگر که روزانه در سراسر کره خاکی شاهد آن هستیم بیشتر از طغیان آن سرچشمه می گیرد که فمیستها داعیان بدان هستند و مکاتب بشری دیگری نیز راهکارهایی برای آن ارائه کردند که هر یک به گونه ای لگام گسیختگی این غریزه و ظلم به زنان را در پی داشت.

زنان فمیستی که به ظن خود در پی احقاق حقوقشان هستند هیچ گاه به زندگی تمامی مردان توجه نمی کنند و برای معنای آزادی و آسایش مردان تنها کارمندانی را می بینند که پشت میز اداره نشسته و هیچ سختی گریبان آنان را نمی گیرد. اینان نیز همه مردان را اینگونه دانسته و زنان را زندانی خانه، افسرده، آدم آهنی، بی روح و در نهایت ابزار و وسیله می دانند که کاریکاتور آن را در فضای مجازی گذاشته بودند بدین گونه که زنی سرش قابلمه، یک دستش اتو، دست دیگرش جاروبرقی، و ... بهر حال به گونه ای وانمود کرده بودند که انگار زن از دیدگاه مرد تنها یک ابزار می باشد و با شعار مضحک مردسالاری، زنان و دختران را به گمراهی و طغیان می کشانند اما اینان هیچ گاه تفکر نمی کنند که اگر مردان همچون زنان طلب حقوق خود کنند زنان دیگر هیچ سخنی از حقوق زن نمی گویند و دیگر در سایتها و فضای مجازی سخنی از سکوت و هیس!! به زبان نمی آورند.

برای نمونه اینان فراموش کردند که در سدهای کشور چه اتفاقاتی برای مردان افتاد، فراموش کردند که مردی در دستگاه سنگ شکن تکه تکه شد، فراموش کردند که کارگری در رودخانه فلان افتاد و کارگر دیگر برای نجاتش خود را به آب زد اما هر دو جان به جان آفرین تسلیم کردند و دیگر هیچ گاه خانواده خود را ندیدند، فراموش کردند که کارگری در زیر دامتراک ۶۰ تنی له شد، فراموش کردند که کارگرانی روزی دو تریلر سیمان خالی می کنند، فراموش کردند رانندگانی که روز و شب در مسیرهای خطرناک خواب شیرین خود را به بیداری تبدیل کردند تا مایه رفاه زنان شوند، نشینند کارگر آرماتوربندی را که بدون هیچ حفاظی در ساختمانی بلند به زیر افتاد و مغزش متلاشی گشت، نمی بینند مردانی را که پا بر غرور خود نهاده صبح و شب در شهرداری برای رفاه زن و فرزند زباله های متعفن شهر را جمع آوری می کنند، آیا مردان نیز حقوق مرد را باید از زن بطلبند؟ کدام زن می تواند در شرکتهای بیابانی در میان خوابگاههای پر از سوسک و موش دوام

بیاورد؟ کدام زن می‌تواند بر روی اسکلت ساختمانهای ده طبقه جوشکاری کند؟ کدام زن می‌تواند روزانه چندین یخچال برای خانه‌های مردم جابجا کند؟ اگر خود را با مرد در هر حقی مساوی می‌دانید پس بروید شما نیز این کارهای مشقت بار را انجام دهید اما به وقت عمل تفاوت خود را با مرد یادآور می‌شوید و بر یکسان نبودن در وظایف اقرار می‌کنید. اگر مردها نیز کاریکاتور خود را بکشند باید یک دستشان بیل و یک دستشان کلنگ، بر دوششان سیمان و مغزشان تنها رفاه زنان و خانواده باشد. کدام مرد تاکنون حق خود را طلبیده که چرا زن باید مهریه بگیرد؟ چرا مردان به خاطر مهریه پشت میله‌های زندانند؟ چرا مردان مهریه ندارند؟ مگر به قول شما مرد و زن نباید تماما مانند هم باشند؟ پس چرا موقع طلاق طلب مهریه می‌کنید؟ چرا نمی‌گویید مردان چگونه مهریه ندارند؟ قطعاً در زمان طلاق خود را به ناآگاهی می‌زنید! اگر زنان و مردان مساویند چرا هنگام جنگ در خانه می‌مانید و مردان بدون هیچ اعتراضی خود را در مقابل گلوله‌های دشمن سپر می‌کنند تا شما آسوده باشید؟ مرد مرد است و زن زن! هر یک را وظایفیست و اگر از حریم خود بیرون آیند جامعه متلاشی خواهد شد.

## ۲- مادران نامادری

دومین دلیل بی‌حجابی مادرانی می‌باشند که برای دخترانشان نقش اهریمن را بازی می‌کنند و با افکار نادرست خود دختران بی‌گناهشان را در دام گرگ‌های شیطان صفت رها می‌کنند تا با سوء استفاده از سادگی آنان با زبانی چرب هر آنگونه که بخواهند به بازیشان بگیرند. این نامادران، عقده بی‌حجاب نبودن خویش را بر سر دختران بیگناهشان خالی می‌کنند و با عریان کردن و منع نکردن وی در جای خود، نیشی زهرآلود را بر تن جامعه می‌زنند. و چون شوهران به این مهم اعتراض کنند زنان به مشاجره پرداخته مقدمات آشوب و جدایی را فراهم می‌کنند و به خاطر بی‌حجاب کردن دختر، کانون گرم خانواده را به جهنمی ویرانگر تبدیل می‌کنند.



مادرانی که از مادر بودن تنها نام مادر را با خود یدک می‌کشند از سرانجام امور بی‌خبرند یا خود را به بی‌خبری زده و راه بیراهه را برای خود و خانواده بر می‌گزینند تا فرهنگ والای گردان راه انحطاط پیش گرفته و سخره مسافران و مهمانان شود.

## دلایل انتخاب پوشش نادرست برای فرزندان

### الف: عقده

اولین دلیل انتخاب پوشش نادرست برای فرزندان به قول روانشناسان همان «عقده‌ای» است که خود مادران بر آن توانا نیستند. عقده‌ای از پوشیده بودن خود را بر دختران و کودکان بیگناهشان خالی می‌کنند و با عریان کردن آنان بر آتش درونی خود آب‌نگون‌بختی می‌ریزند. عقده را اینان به اشتباه فهمیده‌اند و یا از آن سوء استفاده می‌کنند چون از دلیل لباس بی‌لباسی بر تن دخترانشان بررسی می‌گویند نمی‌خواهم دخترم عقده‌ای شود. یا آنکه دخترانشان را در اموری که باید منع کنند به دلیل آنکه مبدا عقده‌ای شود منع نمی‌کنند.

مادران محجبه‌ای را می‌بینیم که خود چادر بر سر دارند اما بر تن دخترانشان بی‌حجابترین لباس را می‌پوشانند. اینان از همه بدترند و تنها در ظاهر باحجابند چرا که اگر حجاب را از روی عقیده و ایمان قبول داشتند آن را برای دخترشان نیز می‌پسندیدند اما حجاب دروغین آنان در بی‌حجاب کردن دختر نمایان است. حجاب اینان تنها به اجبار بوده و یا ریایی بیش نیست بنابراین عقده محجبه بودن خویش را بر سر کودکانشان خالی می‌کنند. می‌بایست اینان را پیش روانشناسان معتقد برد تا عقده درون آنان را بگشایند که معنای دقیق و بجای این واژه را بدانند.

زنان محجبه‌ای نیز هستند که نمی‌توانند دخترانشان را محجبه کنند این نیز به خاطر سهل‌انگاری آنان بوده که در کودکی حجاب را بدانان نیاموخته‌اند و از دلایل محجبه بودن برایشان نگفته‌اند. این مادران نیز تسلیم بی‌حجابی فرزندانشان می‌شوند و بر سهل‌انگاری خویش و وقایعی که پیش خواهد آمد اندوهگین خواهند شد.

## ب: مُد و کلاس

دلیل دوم که این روزها در کنار عقده رایج گشته «مُد و کلاس» می باشد. اینکه برگ پوشی را کلاس و حجاب را بی کلاسی بدانیم بسیار مایه شگفتیست. از نگاه این نامادران پوشش نادرست و گاه به عمد پاره گشته دخترانشان در اوج کلاس می باشد و با این رفتار خود در میان بستگان و اطرافیان روحیه ای کاذب گرفته شور و شعفی نشئه آور وجودشان را فرا می گیرد.

تعریف کلاس از دیدگاه آنان بسیار مایه تعجب است و هر آنچه را مد شود نیز کلاس می پندارند و ما هر روز نمودی از این کلاس ها را می بینیم اگر کسی سر زانوی شلوارش پاره باشد با کلاس است! اگر کسی پاچه هایش پاره گشته باشد و نخ های شلوارش بیرون زده باشد با کلاس است! اگر کسی شلوارش کوتاه باشد با کلاس است! اگر کسی نهانگاهش را بنمایاند با کلاس است! اگر ده نفر در هر شهر به جای لباس برگ درختان را بپوشند این نیز کلاس خواهد شد و پس از مدتی نیمی از شهرها را برگ پوش خواهیم دید. اگر دقت کنیم تمامی این کلاسها چیزی جز چشم هم چشمی برای بی حجابی نیست. لازم است نکته ای یادآور شوم که سالها پیش یکی از استادان سخنی گفت که صحت آن را نمی دانم اما در جای خود گویای واقعیتی تلخ است: یکی از ایرانیها به کشوری اروپایی سفر می کند، در آنجا ماشینی می بیند که روی شیشه عقب آن عکسی از چند قطره خون در گوشه ای از آن چسپیده بود، ایرانی نیز به خیال مد بودن آن، روی ماشینش همان عکس را می چسپاند اما پس از مدتی می داند که آن عکس نشانه ایدزی بودن رانندگانی می باشد تا در تصادفات شناخته شده و در حین کمک به آنان از تماس خونی جلوگیری شود.

کلاس و بی کلاسی را در همه امور دخیل کرده اند تا بدانجا که زبان مادری نیز اکنون بی کلاسیست و کسانی هستند که با فرزندشان فارسی صحبت می کنند و از اینکه فرزندشان به جای ادا، دای، دالگ و ... مامان بگویند شادمان می گردند و کسانی نیز لباس گُردی را بی کلاس دانسته و لباسهای بی حجابی را بر آن ترجیح می دهند. نامادرانی نیز در افکار خود برآنند که اگر لباس گُردی بر تن دخترانشان باشد آنان پیر به نظر می رسند بنابراین می بایست لباس گُردی را به کنار نهاد و با پوشش

فرهنگهای دیگر بر تن دخترانشان، احساس جوانی کنند. این تفکر نیز بسیار کودکانه است و هر کس از شنیدن آن تبسمی تلخ بر لبانش هویدا می‌شود. کسانی نیز از یک سو ادعای حس ناسیونالیستی گُردی دارند و برای گُرد و گُردستان آه و ناله سر می‌دهند اما برای لباس گُردی بر باد رفته خانواده اهمیتی قائل نیستند. در حقیقت تمامی این امور پیش آمده از بی‌توجهی به مسائل روز و فرهنگ باختگی می‌باشد که باید دلسوزان نگذارند این فرهنگ منحط سراپای دیار روشنایی را بگیرد.

### ۳- حمایت نسجیده

سومین دلیل بی‌حجابی زنان، حمایت نسجیده و کورکورانه خانواده دختران در مقابل اعتراض دامادشان می‌باشد. وقتی شوهری از بی‌حجابی همسرش گلایه می‌کند و کم‌کم کار به مشاجرات و آشوب خانوادگی می‌کشد این وظیفه خانواده زن می‌باشد که با دور کردن احساسات و حمایت از داماد حجاب را مایه آرامش زن بدانند. اما متأسفانه تا دیروز که زنان از برادران و پدرانشان به شدت حیا می‌کردند و جلوی دید آنان حتی روسری هایشان را از سر در نمی‌آوردند امروز دیگر اینگونه نیست، اکنون برادران و پدران در مقابل حرف داماد مبنی بر بی‌حجابی زن توجه ننموده حتی حاضر به جدایی آنان می‌شوند تا دخترشان عقده‌ای نشود و پروفایل بی‌حجابی و عکسهای بی‌حجابی خویش را در فضای مجازی در مقابل دید همگان بگذارد. کسانی هم هستند که قادر به محجبه نمودن همسر و دختران خویش نیستند حداقل امر آنست که در زندگانی دیگران دخالت نکنند نه آنکه برای سرپوش نهادن بر بی‌حجابی زن و دختران خویش از بی‌حجابی زن دفاع کنند و بگویند همه کس بی‌حجابند و چاره‌ای نیست و در مقابل سیل بنیان‌کن جامعه ما نیز باید بنیامان از بیخ کنده شود و همه با هم در دره انحطاط سقوط کنیم.

چه بسیار خانواده‌هایی که بر امری غیرمعقول و احساسی پافشاری کرده و طلاق و افسردگی و بیماریهای روحی و روانی را تحفه‌ای اهریمنی برای دخترانشان به ارمغان آوردند و هیچ‌گاه نیز بر اشتباه خود تظاهر نکردند اما بدانند اندرونشان را عذابی دردناک از نوع وجدان خواهد سوزاند.

### ۴- دادگاه و قضات

چهارمین دلیل بی حجابی توجه نکردن و مشغله کاری زیاد دادگاه، قاضیان، و شورای حل اختلاف می باشد. آنان نیز بدان خاطر که طلاق و جدایی برایشان دیگر عادی گشته به راحتی از کنار مسئله گذشته راضی به فروپاشی خانواده می گردند و از مشکلات پیش آمده چندان جو یا نمی شوند.

در ابتدای امر در محکمه، زنان مظلوم به نظر رسیده با اشکهای خود و شکوه های سوزناک زنانه به قاضی القا می کنند که مرد خانواده، زندگی و خوشبختیشان را بر باد داده و حال قصد جدایی دارند، اگر چه این مناظر برای قضات تکراری می باشند اما مشکل از اینجاست که قاضی فوراً تصمیم گرفته رضایت دوطرف در جدایی را ملاک قرار داده حکم بر فروپاشی می دهد. گاهی نیز زنان بعد از مشاجرات با سوء استفاده از شرایط اقتصادی کنونی برای فشار بر شوهر، مهریه خود را به اجرا گذاشته قاضی نیز در تایید آن که چون مهریه حق مسلم زن است حقوق مردان را پایمال کرده با زندانی کردن آنان و فروپاشی خانواده درد جامعه را دوچندان می کند و دیگر هیأتی را برای تحقیق در مورد مشکلاتشان نمی فرستد تا بداند علت جدایی چیست شاید مانع از آن شود.

به اجرا گذاشتن مهریه با تحریک تنی چند از اعضای خانواده دردی از دردهای اجتماعی را کاهش نمی دهد بلکه تنها طمع و افکار پلید کسانی که در زندگی دیگران به نفع خود دخالت می کنند را هویدا می سازد. مهریه ناراحتی زن را تسکینی موقتی خواهد داد اما به مرور زمان با تداعی خاطرات و شماتت بستگان و همسایگان، آتشی درونی تمام وجود زن را فرا خواهد گرفت تا با انواع امراض و بیماریهای جسمی و روحی بار دیگر جامعه دستخوش انحطاط گردد و آنانی هم که در خانواده از فروپاشی زندگی دختر یا خواهرانشان حمایت کردند به طمع مهریه آتش جاوید را برای خود مهیا می سازند.

در آشوبی که به خاطر عکسهای نیمه لخت زنان، دامن خانواده را گرفته است نقش قاضی در حمایت از نوامیس بسیار مهم است وقتی قاضی با صلابت از حق مرد برای ناموس وی دفاع کند دیگر زن نمی تواند به خاطر چشم هم چشمی عکس بی حجابی خویش را به غریبه ها بنمایاند. هدف قاضی باید ساخت جامعه باشد نه سقوط آن. اگر چه مهریه حق زن می باشد و مرد باید آن را ادا کند اما

حجاب زن نیز حق مرد می‌باشد و قاضی همچنان که حق زن را می‌دهد باید قبل از آن حق مرد را بدهد. به امید موفقیت قاضیان محترم در ساخت جامعه‌ای پویا بدور از هرگونه تنش اجتماعی، تا وقار و طمأنینه به شهرها باز گردد.

## ۵- صلابت مردان

از دیگر دلایل بی‌حجابی در شهر بی‌توجهی به نوع لباس زنان و دختران توسط مردان می‌باشد بدین دلیل که کسانی با تحت تاثیر قرار گرفتن از عقاید فمینیستها به راحتی از کنار این مسائل می‌گذرند تا دست به دست سایر علل داده فرهنگ و الایمان را تنزل دهند.

از علل کم‌رنگ شدن صلابت مردان غیور، دخالت زنان در نوع پوشیدن لباس دخترانشان برای کم‌نیابردن در مقابل دوستان و آشنایان می‌باشد. در اینجا که زنان تنها با احساس مسیر زندگی دخترشان را تعیین می‌کنند این مردان هستند که با عقلانیت می‌بایست مانع آنان شوند. اگرچه همانطور که ذکر شد این گونه مسائل با مقاومت زنان بارها به آشوبهای خانگی و طلاق منجر شده است در اینجا نیز قاضی می‌بایست نقش خود را در حفظ خانواده و جامعه پررنگ بنمایاند و با حمایت از مردان از صلابت و مدیر بودن آنان حمایت کند.

مردانی که سکان خانواده را به دست زنانشان داده‌اند با دست خود گوری دسته جمعی برای خانواده خود کنده‌اند تا با گذشت روزگاری اندیشه و پویایی را در آن دفن کنند تا ثمره آن نیز خارهای تیزی باشد که لباس هر بنی آدمی را بدرد.

مدیر بودن مردان در اداره خانه و خانواده مورد تاکید قرآن کریم نیز می‌باشد آنجا که می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ [نساء: ۴]

ترجمه: «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند»

در این آیه خداوند متعال به خاطر ویژگی‌هایی که در خلقت مرد قرار داده آنان را عهده دار و مدیر خانه و خانواده و زنان قرار داده است و در ادامه به یک نکته بسیار مهم اشاره کرده و آن بحث نفقه

دادن به زنان است که خداوند به گونه‌ای آن را از وظایف مردان میدانند و آن را با مدیر بودن مردان پیوند می‌دهد؛ میتوان اینگونه برداشت کرد اگر زنان نفقه مردان را بدهند مدیریت مردان خدشه دار شده زنان سکان خانه و خانواده را به دست می‌گیرند. و آنچه که اکنون در جامعه شاهد آنیم ازدواج مردان بدون کار و دارایی با زنان کارمند است.

چون زنان نان‌آور خانواده باشند به نوعی مدیریت را از مردان می‌ستانند و آنگاه آشفتگی خانواده را در برمی‌گیرد و مرد نیز توانایی مقابله با آن را ندارد بنابراین شایسته است مردان خود نان‌آور خانواده باشند تا مدیریت خانه همچنان به دست آنان باشد اما این نه بدین معناست که تمامی زنان کارمند اینگونه‌اند بلکه هستند درمیانشان که تا لحظه آخر زندگانی پشتیبان همسرشان هستند. امید است که مردان آگاه با مدیریت خانواده و حمایت دادگاه رشد و شکوفایی و فرهنگ راستین را رونق دهند.

## ۶- بی‌حجابی برای ازدواج

دخترانی هستند که با بی‌حجاب کردن خویش به خیالشان بهتر می‌توانند ازدواج کنند. اما در واقع نمی‌دانند با این کار تنها راه را برای در دام افتادن خویش فراهم می‌کنند. تیر اهریمنان گرگ صفتی که چشم طمعشان هیچ‌گاه سیر نمی‌شود بیشتر بی‌حجابان را نشانه می‌رود. این دختران بی‌حجاب نمی‌دانند که پیام بی‌حجابیشان برای گرگان اجتماع ازدواج نیست و تنها گرفتاری در دام آنان است دامی که شاید راه نجاتی برای آن نباشد.

## زنان غربی

همه می‌دانیم یکی از عوامل بی‌حجاب گشتن زنان تقلید کورکورانه از زنان غربیست که رسانه‌های ملحد به خوبی آن را رواج می‌دهند و با مغزشویی زنان مسلمان هدفی جز انحطاط جوامع ندارند. **احمد کسروی** که در میان روشنفکران به عنوان الگویی از وی یاد می‌کنند چون خود نظاره‌گر بی‌حجاب شدن زنان با تاثیرپذیری از غربیان است می‌نویسد:

زنی که آزادانه با مردان در می‌آمیزد بدشواری خواهد توانست خود را نگه دارد، بدشواری خواهد توانست فریب مردان را نخورد. چیزست بسیار آزموده: زن از بازار آمیزش آزادانه سرمایه باخته بیرون آید. آمیزش آزادانه زن را لغزشگاه‌هیست که خود بلغزد و دیگران را نیز بلغزاند.

**زنهای ایران** دو چیز بد را از اروپا یاد می‌گیرند: یکی آراسته بمیان مردان درآمدن و شیکترین رختهای خود را برای کوچه و خیابان نگاه داشتن، دیگری با مردان آزادانه در آمیختن و به بزمها خودسرانه رفتن. اینها هر دو غلطست هر دو بزبان خود زن‌هاست.

بانوان ایران باید بدانند که زن در اروپا ارجمند نیست اروپاییان زن را گرامی نمی‌دارند باید فریب آن سخنانیکه در روزنامه‌هاست نخورند. اروپاییان در بسیار چیزها گمراهند و یکی هم داستان زن‌هاست. بیشتر اروپاییان زنها را افزاری (ابزاری) برای خوشگذرانی و کامگزاری مردان شناخته‌اند و بیش از این معنایی به زنان نمی‌دهند. اینست آنها را به بزمها می‌کشانند، پرده‌هاشان می‌درند، از جایگاه خود پایین می‌آورند.

در همان اروپا میلیونها زن بی‌شوهرند میلیونها دختر بی‌نگهبان در مانده‌اند. ما داستانهایی می‌خوانیم که **فلان جوان رومانی** سیصد دختر را فریب داده، بهمان **آدمکش فرانسه‌ای** دویست زن را بزنی گرفته و کشته. اینها نمونه‌هاییست که چگونه زن در اروپا بی‌ارج و زیر پا ریخته می‌باشد.<sup>۱</sup> کسروی ۷۰ سال پیش به این آشفته بازاری هشدار داد و ما اکنون همین فجایع را هر روز در اروپا نظاره‌گریم مثلاً چند سال پیش یک مرد ایدزی در ایتالیا چندین زن را به کام این بیماری مرگبار آلوده کرد. اروپا کار خود را کرد و حال ما این گونه وقایع را در مملکت خود می‌بینیم که فلان جوان ایرانی دختران بیشمار را به خانه کشانده و به آنان تجاوز کرده است.

عادی سازی زنا در اروپا به گونه ایست که زنان بدکاره که کارشان جز فحشاگری نیست را **کارگران جنسی** می‌دانند و با دادن واژه **کارگر** بدانان قصد آن دارند از تقبیح این کار زشت بکاهند.

۱- کسروی، احمد، خواهران و دختران ما، ص ۱۵.

نمونه عناد غربیان و همسو گرداندن مسلمانان با خود را در تویت **ریچارد داو کینز** دانشمند غربی می‌توان دید، وی می‌نویسد آیا ایده خوبی نیست که ویدئوهای شهوت انگیز را در جوامع آخوندسالاری نشر کنیم؟ این تویت واکنش کاربران فضایی مجازی را بر ضد وی برانگیخت که به حذف تویت انجامید.<sup>۲</sup>

اگر به اخبار رجوع کنیم می‌بینیم غربیان **رابطه جنسی با حیوانات** را نیز تا مدت زمانی قانونی دانسته‌اند مثلاً در بخش فارسی رادیو سوئد می‌خوانیم که داشتن سکس با حیوانات از ماه ژانویه سال آینده، در سوئد ممنوع می‌شود. این ممنوعیت پیشتر از این هم وجود داشت اما در سال ۱۹۴۴ از بین رفت این بدین معنی است که از سال ۱۹۴۴ تا سال ۲۰۱۴ رابطه جنسی با حیوانات در سوئد قانونی و مجاز بوده است. و از این دست اخبار دلخراش را در قوانین بسیاری از کشورهای اروپایی می‌بینیم.<sup>۳</sup>

خواست‌های سیری ناپذیر غربیان را باز در **اخبار سوئد** می‌خوانیم که جوانان حزب لیبرال «خلق» سوئد خواستار انجام سکس با افراد خانواده اعم از برادر، پدر و ... بدون هیچ قید و شرطی بودند حتی خواستار عمل جنسی با کودکان بودند.<sup>۴</sup>

**مکرون** رئیس جمهور فرانسه نیز چندی پیش از جدا بودن استخر زنان و مردان انتقاد کرده و خواستار یکی بودن استخرها شد.<sup>۵</sup>

چندی پیش به نقل از یورونیوز در اسرائیل ۳۰ نفر به یک زن تجاوز کردند و در هند راننده آمبولانس به **دختر نوجوان مبتلا به کرونا** تجاوز کرد. انگار اینان سیر نمی‌شوند و ناآگاهان دیارمان نیز خود را به نادانی می‌زنند.

---

<sup>۲</sup>- رجوع شود به:

[https://t.me/no\\_atheism/3141](https://t.me/no_atheism/3141)

<sup>۳</sup>- ر.ک:

[https://t.me/no\\_atheism/1500](https://t.me/no_atheism/1500)

<sup>۴</sup>- ر.ک:

[https://t.me/no\\_atheism/972](https://t.me/no_atheism/972)

<sup>۵</sup>- یورونیوز



ظلم جنسی به زنان در غرب حتی از توالد لیسوی و خوردن ادرار و مدفوع برای یک مشت دلار نیز گذشته است و کسانی برای ارضای مرض سادیسم خود هر بلایی را سر زنان می آورند و حتی گاه گاهی قلاده گردن آنان انداخته زنان را چون سگان می دانند سگ پنداری زنان نیز با لباسهای عجیب و مخوف خود نوعی توهین به مقام مادر است.

خوی سیری ناپذیر غربیان برای امور جنسی و عادی سازی آن در رسانه های ملحدین را بارها دیده ایم و متاسفانه باز زنان و دختران ناآگاه راه آنان را در پیش می گیرند.

### چاره چیست؟!

وقتی فرهنگ و تمدن خود را پست بنگاریم و بر اندیشه های نوظهور غرب افتخار کنیم نتیجه آن سست شدن جامعه و پوچ گرایست. کسانی پیشرفت دنیوی غربیان در اختراعات و ... را در ارتباط با فرهنگ آنان می دانند و به گمانشان پیشرفت آنان نتیجه فرهنگ منحطشان است اما اینگونه نیست و خود آنان نیز بر این نظریه معترف نیستند و تنها علت پیشرفت آنان، جهد و تلاش وافرشان و نیز دولتهایی که از مجاهدت ملتشان حمایت می کنند.

ما نیز با فرهنگ والایمان و تلاش و کوشش فراوان و نیز حمایت دولتها می توانیم به اوج قله های پیشرفت برسیم و با آرامش و متانت حاصل از حجاب از پیشرفت غربیان نیز فراتر رویم.

نمونه این جهد و تلاش ایرانیانی می باشند که در خارج از کشور به اوج پیشرفت علمی رسیده اند **دکتر مظفر پرتوماه** از نمونه های پیشرفت است. وی در سازمان **ناسای آمریکا** بود اما هیچ گاه از عقاید دینی خویش دست برنداشت و تا روزی که بود فرهنگ غربیان را برنگزید.

حجاب مایه آرامش جامعه و سپس علت پیشرفت است شاید تمام کسانی که اخبار را پیگیری می کنند نام **حلیمه یعقوب** رئیس جمهور **سنگاپور** را شنیده اند حلیمه یعقوب یک زن مسلمان است اما با وجود آنکه مدتی رئیس پارلمان و اکنون نیز رئیس جمهور این کشور است حجابش را حفظ کرده و بدان افتخار می کند.

یکی دیگر و اصلی ترین راه نجات بشریت که بتواند از این باتلاق متعفن فرهنگ برگ پوشی و عریانی رها شود تمسک به دین و آیات خالق بشر است. خداوند متعال خود انسان را خلق کرده و بر نیازهای وی آگاه است. همچنانکه در قرآن جاوید آمده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ \* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ [نور: ۳۰-۳۱]

ترجمه: «به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند.»

این ختم کلام پروردگار است که پا فراتر ازین گذاشتن قدم در جای پای شیطان نهادن است همچنانکه در آیات دیگر می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [نور: ۲۱]

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید پای از پی گامهای شیطان منهدید و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وا می دارد.» باید گفت تمامی دستورات دین برای سربلندی انسان است و آنانی که قانونی غیر از قانون الله متعال را برمی گزینند دنیا و آخرت خود را از دست خواهند داد.

## گردها نماد غیرت

وقتی مهمانی از شهرهای دیگر به قصد دیدن مناطق گردشین می آید با این دید که شهر غیرت و مردانگیست پا در شهر می گذارد اما با دیدن بی حجابانی چند با کمال تعجب می گوید مگر اینجا گردها ساکن نمی باشند؟ همین سوال را یکی از مهمانان در سفری به این دیار پرسید و ما هیچ جوابی برای آن نداشتیم. منظور وی از سوال این نبود که سایر شهرها مدینه فاضله اند بلکه از آوازه تاریخی

و غیرتمندی زنان و مردان گرد آگاهی داشت بنابراین در تعجب و شگفتی هرچه تمام تر آن سوال را پرسید.

درباره غیرت و ناموس داری گُردها در تاریخ اثری روایت شده که: «خداوند غیرت را به ده قسمت تقسیم نموده نه قسمت آن را به گُردها و یک قسمت آن را به سایر مردم دنیا داد.»<sup>۶</sup> آوازه غیرت گُردها هزار و چهارصد سال پیش آنچنان بوده که ابن عباس اینچنین درباره آنها سخن می گوید. و این بسیار مایه تاسف است که مهمانان سایر شهرها دیدشان در مورد گُردها متحول شود.

بدحجابی و بی توجهی مردان بدان، هشدار می باشد که دیارمان به مرور زمان به بیراهه نرود که نمونه های تاریخی در مورد آن زبانزد مورخان، جغرافی دانان و سفرنامه نویسان شده است.

نمونه های فروپاشی فرهنگی در تاریخ موجود است که امیدوارم هیچ شهری به دردی همچون آنها مبتلا نشود که درمان آن شاید لاعلاج باشد. دردی که لکه ننگی بر آن شهرها گشت تا بدنامی آنان در تاریخ ثبت شود و آیندگان نیز به دیده حقارت به نسل های آینده شهر بنگرند.

**زکریا قزوینی** (متوفی: ۶۸۲هـ) در مورد شهر **مرباط** در نزدیکی **عمان** می نویسد: مردمان مرباط به **کم غیرتی** مشهورند و هر شب زنان آنجا به خارج شهر می روند و شب را با مردان بیگانه گذرانده تا نصف شب با آنان به ملاعبت می پردازند و مردان در آنجا به همسر، خواهر و مادرشان اجازه می دهند که با مرد بیگانه ملاحظه کند و خود نیز با زن دیگری می نشینند.<sup>۷</sup> قزوینی در ادامه سخن صاحب معجم البلدان را نقل کرده که در جزیره کیش به مردی از اهالی مرباط در مورد این معضل در میان آنان پرسیده و از آن مرد صحت یا دروغ بودن آن را پرسیده، آن مرد نیز صحت این خبر را تایید کرده می گوید به خداوند قسم همانا عملیست بسیار قبیح اما توانایی منع آن را نداریم.<sup>۸</sup>

<sup>۶</sup>- نهایة الأرب فی فنون الأدب، شهاب الدین النوری، (ط: ۱، دار الکتب والوثائق القومية، القاهرة، ۱۴۲۳هـ)، ج ۱، ص ۲۹۳؛ حسن المحاضرة فی تاریخ مصر والقاهرة، السیوطی، (ط: ۱، دار إحياء الکتب العربية/ عیسی البابی الحلبي وشركاه، مصر ۱۹۶۷هـ)، ج ۲، ص ۳۳۷.

<sup>۷</sup>- آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد بن محمود القزوینی، (ط: بیروت، دار صادر)، ص ۶۱؛ تاریخ حبیب السیر، غیاث الدین بن همام الدین خواند میر، (تهران، انتشارات خیام، چاپ چهارم)، ج ۴، ص ۱۲۱.

<sup>۸</sup>- همان.

ابن بطوطه نیز در سفرنامه اش بر آن خوی ضعیف مردم عمان در عدم منع زنان مهر صحت نهاده است.<sup>۹</sup>

مرباط قطعاً اینگونه نبوده است و به مرور زمان و با بی‌تفاوتی به فقر فرهنگی دچار گشته است که مردان دیگر توانایی منع آن را نداشته‌اند. امروز نیز باید بیدار بود تا جامعه راه مرباط را دنبال نکند. معضل شهرهای ایران در حد بدحجابیست که هنوز به خطوط قرمز خود نرسیده است و باید چشمان بیداری آگاهانه این فقر فرهنگی را دنبال کنند تا شاید راه نجاتی را با مشورت بزرگان پیدا کنند. صاحب‌نظران دلسوز، ماموستایان و شیوخ بزرگ نیز باید دست در دست هم دهند و شهرها را از بدخواهی برهانند. نگذاریم به گونه‌ای شود که مهمانانی که به شهر می‌آیند نکاتی را در کتب خویش یاد آور شوند که مرباطی برای آینده باشد.

دیارمان هنوز کانون غیرت و مردانگیست نباید گذاشت که سستی و پوچگرایی فمیست‌ها دامن مردان و زنان غیورمان را بگیرد. اصل عقیده فمیست‌ها طغیان‌گرایی بر ضد نه مردان بلکه طغیان بر ضد بشریت و سرنگون کردن فرهنگ و تمدن می‌باشد که بنیان هر جامعه‌ای را می‌تواند از ریشه برکند. از انتشار قبلی این مقاله که با هجمه تند و توهین‌های بیشمار فمیست‌ها همراه بود دو سال می‌گذرد ما آن موقع هشدار دادیم اما کسانی توجه نکردند امروز به جامعه نگاه کنید مانتوهای روباز با ساپورتهای عورت نما و تیشرت‌های کوتاه جایی برای بی‌حجابی نگذاشته است و همه نیز دارند به این وضع عادت می‌کنند و هر روز شاهد فجایعی هستیم که سرمنشأ همه آنها بدحجابیست. امیدوارم جامعه با بیداری بزرگان و ترویج فرهنگ وقار و آرامش و تمسک به دین و شریعت مسیر سربلندی و افتخار را طی کند.

<sup>۹</sup>- رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار)، ابن بطوطه، (ط: الرباط، أكاديمية المملكة المغربية، ۱۴۱۷هـ)، ج ۲، ص ۱۳۷.